



شورای پروانهٔ نمایش در صف انتقال به خانهٔ سینما؟

داور و بازیکن یکی می‌شوند؟



محمدحسین سلطانی خبرنگار گروه فرهنگ

با آمدن دولت جدید روی کار، بنا بود تغییرات جدی‌ای بر نحوه مدیریت سینما و سازمان سینمایی اعمال شود و فریدزاده هم دقیقاً با همین نیت روی صندلی مدیریت سازمان مذکور نشست. قرار بود فریدزاده بشود نماد جوان‌گرایی و پویایی و برود سراغ پرونده‌های لاینحل سینما و تلاش کند چهره هنر و فرهنگ ایران را در عرصه بین‌الملل ترمیم کند. چند استراتژی هم بر اساس نگاه وزیر در دست فریدزاده بود و ملزم به اجرای آن‌ها شد. او قرار بود ذیل دستور چهارم، پنجم و ششم وزیر در حکم انتصابش؛ سه کار مجزا از هم را انجام دهد؛ اول تقویت گسترش فضای وفاق و همدلی سینماگران، دوم پیگیری حقوق فعالان سینما و تأمین آزادی‌های قانونی و سوم به‌روزرسانی و اصلاح قوانین و مقررات عرصه تصویر. برای این کلان‌برنامه‌ها همه منتظر اقدامات عملی

برون‌سپاری راه خوبی است ولی تو باور نکن

برون‌سپاری لزوماً چیز بدی نیست ودولت‌ها برای مدیریت منابع انسانی‌شان وبرای استفاده از ظرفیت مردم‌رومی‌آورندبه مردمی‌سازی که یکی از مدل‌های اجرایی آن برون‌سپاری است. برون‌سپاری در حوزه اقتصاد نه‌تنها منطقی است بلکه اگر از طرق صحیح آن انجام شود هم بازدهی را بالا می‌برد و هم یکی از ارکان اصلی برنامه هفتم توسعه است. اما دو نکته جدی درباره مردمی‌سازی حوزه فرهنگ وجود دارد که کارشناسان این حوزه به آن اشاره می‌کنند؛ اول آنکه مردمی‌سازی مساوی با برون‌سپاری نیست و دوم آنکه فرهنگ و اقتصاد با هم مساوی نیستند. فرهنگ کارخانه نیست که مدیریتش را به مزایده بگذاریم، بلکه ماهیتش اجازه هر مدل تغییر قدرت را نمی‌دهد. اصولاً حکمرانی فرهنگی سه محور اساسی دارد؛ یکی تعیین راهبرد و دوم نظارت بر سازوکارها و سوم تأمین زیرساخت‌هاست. در تمام کشورهای جهان سعی می‌شود راهبرد توسط نهادهای بالادستی و بر اساس کلان ایده‌های حاکمیت تأمین شود و نظارت هم بر همان اساس دنبال شود و کار را به دست اعتماد بین طرفین نسپارند. ماهیت نهادهایی مثل FCC (کمیسرین ارتباطات فدرال) در ایالات متحده هم بر همین اساس است و چنین نهادهایی در شرق تا غرب عالم وظیفه نظارت بر حکمرانی سیستم‌ها در کشور را بر عهده دارند اما در تأمین زیرساخت، مردم مشارکت داده می‌شوند و پای بخش خصوصی

فریدزاده بودند. اقداماتی که می‌توانست شکاف‌های میان جامعه هنر و ساختار را ترمیم کند.

۲۳ مهر ۱۴۰۳ و تنها دو روز پس از انتخاب رائد فریدزاده به‌عنوان رئیس سازمان سینمایی، او خود به سالن «سیف‌الله‌داد» خانه سینما رفت. در سالن حدود ۳۰ نفر از صنوف سینمایی حاضر بودند. فریدزاده پشت میزی، کتار علی دهکردی (مدیرعامل خانه سینما) و محمدمهدی عسگرپور (رئیس هیئت‌رئیس‌ه خانه سینما) نشست. او با رفتن به خانه سینما نشان داد حساب ویژه روی صنف باز کرده و قرار است ساکنان خیابان بهار جنوبی نقش محوری‌ای در سازمان سینمایی ایفا کنند. نقشی که کمی بعدتر با واگذاری دوباره و تمام و کمال انتخاب نماینده ایران در اسکار به خانه سینما پررنگ شد و حالا اخباری که به دست «فرهیختگان» رسیده، نشان می‌دهد خیلی دور نیست که بحث‌هایی پیرامون انتقال شورای پروانه نمایش هم از خیابان بهارستان به بهارجنوبی به راه بیفتد و در نهایت سازمان سینمایی این مسئولیت خود را هم برون‌سپاری کند.

به میان می‌آید، حالا آن بخش از سرمایه‌گذاران خصوصی که نفوذ و سر‌مایه‌گذاری بالاتری داشته باشند، در نظارت و تعیین راهبرد «مشارکت» داده می‌شوند و این درست مقابل آن چیزی است از تصمیم‌های چند وقت اخیر معاونت سینمایی بر می‌آید. پروانه‌نمایش و پروانه‌ساخت دوبازوی مهم نظارتی سازمان سینمایی هستند که بر اساس آن، نهاد مذکور می‌تواند تولید آثار مدیریت شود و عملاً فضای فرهنگی کشور بر اساس راهبردهای تعیینی پیش برود. با همین دوبازوی اجرایی می‌توان هم توزیع ژانر در سینما را مدیریت کرد و هم راهبردهای کلان فرهنگی مملکت تأمین شود. البته این نکته را باید در نظر داشت که به دلیل راحتی دسترسی افراد به ساخت و تولید یک فیلم در شرایط کنونی و بالاگرفتن تب سینمای زیرزمینی، پروانه ساخت کارکرد خود را از دست داده و بنابر گفته رئیس هیئت‌مدیره خانه سینما، محمدمهدی عسگرپور در گفت‌وگو با هم‌میهن، حذف مجوز ساخت اتفاقاً تناقضی با قانون ندارد؛ اما پروانه نمایش قانون مجلس است، بنابر گفته برخی کارشناسان در چنین شرایطی واگذاری پروانه‌نمایش به یک نهاد صنفی مثل خانه‌سینما عملاً مهم‌ترین بازوی نظارتی حکمرانی را از دست ساختار خارج می‌کند و وزارت فرهنگ و ارشاد را وارد مسئله قانونی جدی می‌کند، وزارتخانه‌ای که حالا با کارت زرد وزیر در شرایط پیچیده‌ای قرار می‌گیرد.

برخی آثار دولتی در سینما اکران نمی‌شوند

پول سینمایی، پخش تلویزیونی

بدتری دارد. این فیلم به کارگردانی انسبیه شاه‌حسینی ساخته شده که پیش از این نیز آثار ضعیف دیگری مثل «ژیبارت از زندگی» در کارنامه داشت. فیلم تازه او که در چهل و دومین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد، از آنجا که با کیفیت پایین در بخش مسابقه اصلی مورد پذیرش قرار گرفته بود، به یکی از نقاط اصلی مورد انتقاد اهالی رسانه به جشنواره تبدیل شد و حتی در برخی نقدها «کم‌دنی ناخاسته» لقب گرفت. طبق اسناد شفاف‌سازی بنیاد فارابی، تهیه‌کننده این فیلم برای سهم ۲۵ درصدی «دست ناپیدا»، ۹ میلیارد تومان از فارابی دریافت کرده بود که بودجه این اثر را حدود ۳۶ میلیارد تومان (در سال ۱۴۰۲) نشان می‌دهد؛ رقمی قابل توجه حتی برای زمان تولید. طبق اعلام رسمی، ۵۱ درصد از این فیلم به بنیاد شهید تعلق دارد و دو شریک دیگر، مجموعاً ۴ سرمایه‌گذار فیلم را تشکیل می‌دهند. «دست ناپیدا» با همه این هزینه‌ها و البته پس از دریافت نقدهای منفی، درنهایت یک سال و نیم در صف اکران سینما ماند و در شرایطی که احتمالاً نتوانسته بود نظر مثبت پخش‌کنندگان سینمایی را برای اکران جلب کند و درحالی‌که هیچ سنجختی با مفهوم شناخته‌شده «هنر و تجربه» نداشت، به گروه هنر و تجربه رفت. نتیجه آن که در مجموع توانست در ۳۰ سانس نمایش، ۷۰۰ قطعه بلیت بفروشد و ۵ میلیون و ۶۷۱ هزار تومان از گیشه به دست بیاورد. بعد از این اثر در اکران آنلاین هم مشتریان زیادی داشته باشد.

تجربه‌ای ناموفق برای روایت عاشورا

یک درجه بهتر از فیلم پرنقداذ انسبیه شاه‌حسینی، می‌توان به «شور عاشقی» ساخته جدید داریوش باری اشاره کرد که پیش از این مستند مورد توجه «کرپلا؛ جغرافیای یک تاریخ» را در کارنامه داشت. ولی با «شور عاشقی» یک شکست را تجربه به کرد. این شکست از رونمایی فیلم در آخرین سانس چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر آغاز شد که با واکنش سرد منتقدان و اهالی رسانه همراه بود و بعد به عملکرد ضعیف در اکران عمومی رسید. با وجودی که «شور عاشقی» در زمان مناسب خود یعنی ماه محرم ۱۴۰۳ به نمایش روی پرده سینماها درآمد و از پخش حوزه هنری برخوردار بود، ولی درنهایت با جذب تنها ۶۳ هزار تماشاگر، حدود ۲ میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان فروخت و از گردونه اکران کنار رفت. مطابق اسناد رسمی بنیاد فارابی، این فیلم در سال ۱۴۰۲، از حمایت ۴۰ درصدی این بنیاد به مبلغ ۱۳ میلیارد تومان برخوردار شد و برای باقی‌اش از سرمایه بنیاد شهید و امور ایثارگران استفاده کرد که برآورد کلی آن را کمی بیش از ۳۲ میلیارد تومان نشان می‌دهد. «شور عاشقی» با وجود مضمون ارزشمند خود درباره حرکت کاروان اسرای کرپلا به سمت شام، پس از اکران عمومی بیش از یک سال باقی ماند و به اکران آنلاین درنیامد تا درنهایت مسیر نمایش تلویزیونی را انتخاب کرد و بعد از ظهر پنجشنبه، روی آنتن شبکه ۳ سیما رفت.

محمدمهدی عسگرپور رئیس هیئت‌مدیره خانه سینما در گفت‌وگوی با هم‌میهن و حین گیسروار مناظرات انتخابات ۱۴۰۳ اظهاراتی درباره مسائل کنونی سینما کرد و با اشاره به چالش‌هایی مثل سینمای زیرزمینی گفت: «یکی از تبعات این سینمای زیرزمینی این خواهد بود که فیلمسازی که می‌خواهد مجوز هم بگیرد خجالت می‌کشد، چون احساس می‌کند گرفتن پروانه نمایش هم‌سوا با دولت است و این ممکن است اعتبار سینمایی‌اش را مخدوش کند. البته ما چند سال پیش برای حل مشکل مجوزها راه‌حل‌هایی ارائه دادیم و هنوز لایحه تأسیس سازمان نظام صنفی سینما در سایت خانه سینما موجود است. براساس آن مشخص شده که چگونه یک فیلم می‌تواند ساخته

دولت بنا بر برنامه‌هایش و آنچه صالحی در برنامه خود گفته بود، می‌خواست چگونه نظارت‌ها را دوباره موردبررسی قرار بدهد و سازمان سینمایی و وزارت ارشاد سعی کند با توجه‌به شرایط کشور و گفتمان دولت، به‌عنوان حلقه واسطه میان هنرمندان و ساختار عمل کند. اینکه سازمان سینمایی بخواهد وظیفه نظارتی خودش را برون‌سپاری کند به فلان نهاد صنفی عملاً پاک‌کردن صورت‌مسئله و شکلی از ترک فعل است. آنچه قرار بود دولت بنا بر گفت‌مانش پیش ببرد، وفاقی بود که اطمینان را به دست‌نگاه‌های دولتی بالا ببرد و اعتماد از دست‌رفته را ایجاد کند، نه آنکه با تولید نهادهای موازی دولتی که درگیر مسائل جدی و پیچیده‌ای است را درگیری مسائل و

«میرو» و اتحادی «لیپار» هم هستند

دیگر همکاری بنیاد سینمایی فارابی و بنیاد شهید در جشنواره چهل‌ودوم، از قضا دیگر فیلم بی‌مشتی ارگانی سال‌های اخیر است که در همان دوره جشنواره نیز نتوانست توجهات مناسبی را جلب کند و امتیازات نسبتاً پائینی از سوی منتقدان گرفت. «میرو» به کارگردانی حسین ریگی ساخته شده و بعد از «لیپار» و «هوک» به عنوان سومین قسمت از سه‌گانه آثار این کارگردان در سیستان و بلوچستان به شمار می‌آید. جلب آن که یک اثر قبلی او هم دچار مسائل مشابه بوده؛ چراکه «لیپار» با گذشت ۵ سال از تولید، هنوز رنگ پرده سینما را ندیده و به نظر تمایل چندانی از سوی پخش‌کنندگان سینما برای توزیع آن وجود ندارد. اساساً یکی از نقدهای اهالی رسانه به بنیاد فارابی، اعطای بودجه و امکانات تولید به فیلمسازی است که دو فیلم پیشینش موفق نبوده و باز هم قرار است در همان حال‌وهوا فیلم بسازد؛ به هر حال «میرو» که یکی از سئوژه‌های اصلی گزارش حاضر است، با وجودی که در سال ۱۴۰۲ برای ۱۰ درصدش ۱٫۵ میلیارد تومان هزینه‌روی دست بنیاد فارابی گذاشت، ولی درنهایت مشتری جذابی نداشت که به اکران عمومی روی پرده سینما برسد و مسر وکارتش با گروه هنر و تجربه افتاد. این اثر در ۲۷ سانس نمایش در این گروه، توانست ۱۰۸ تماشاگر را به سالن سینما بکشاند و ۷ میلیون و ۳۱۳ هزار تومان نصیب سازندگاناش کند.

محصول اوج در پلنفرم درجه‌دو

سازمان هنری-رسانه‌ای اوج طی سال‌های اخیر به عنوان یکی از ارگان‌هایی شناخته شده که در سرمایه‌گذاری روی فیلم‌های سینمایی، خطای نسبتاً کمی انجام داده و آثار موفق‌تر و تماشاگر‌پسندتری به تولید رسانده. با این حال در کارنامه این سازمان نیز فیلمی مانند «کارو» ساخته احمد مرادپور



لایحه‌ای بیرون دولت؛ ایده‌ای برای برون‌سپاری از درون دولت

شود و پروانه نمایش آن در داخل این جریان دیده شود که فقط جریان حاکمیتی نیست.» ایده خانه سینما که عسگرپور آن را بیان می‌کند این است که شورای پروانه نمایش از دولت بیرون برود و برسد به خانه سینما، یعنی همین اتفاقاتی که اکنون در حال جریان است. نهادی که معلوم نیست با رسیدن مسئولیت شورای پروانه ساخت به آن آیا می‌خواهد ساختارش را بازتعریف کند یا طرحی مثل سازمان نظام صنفی سینما را برای پیش‌برد امور در ذهن دارد. طرحی که چند ماه قبل به رئیس‌جمهور ارائه شد و قرار بود بخش مهمی از مسئولیت‌های سازمان سینمایی به سازمانی انتقال پیدا کند که با مدیریت شورایی سینما را بگرداند و عملاً بخش مهمی از وجه نظارتی ارشاد را از بین ببرد و برون‌سپاری شود.

برخی راه‌حل‌ها پاک‌کردن صورت‌مسئله است

مباحث حقوقی کند و سینما را بیندازد در بحران‌ها و سازوکارهای جدید. ششورای پروانه نمایش می‌تواند با سازوکار و ترکیب منطقی به‌گونه‌ای عمل کند که با بحران‌هایی مثل سینمای زیرزمینی و غیرقانونی مواجه‌ای معقول داشته باشد. سینمای زیرزمینی و بحران‌های این چنینی که ارتباطی با مسائل سیاسی و اجتماعی دارد دلیلی بر این نیست که حکمرانی پای خودش را از میان بردارد. اینکه می‌توان در شورای پروانه ساخت بازنگری‌ای جدی داشت و قوانین را اصلاح کرد، دلیلی بر سلب مسئولیت نیست و دولت باید به فکر حل کردن موضوعات از جانب خودش باشد و نه انتقال مسئولیت به سازمان‌های صنفی.

دیده می‌شود که در سال ۹۹ به تولید رسید و اگرچه یکی از ۶۰ فیلم حاضر در سی‌و نهمین جشنواره ملی فیلم فجر بود، ولی با نظر هیئت داوران، نامزد هیچ جایزه‌ای نشد. این اثر پس از ۴ سال ماندن در صف اکران و درحالی‌که هیچ‌یک از محصولات غیرتوقیفی اوج تا این اندازه در صف اکران نماندند، درنهایت سال ۱۴۰۳ بدون اکران عمومی روی پرده سینما، مستقیماً به اکران آنلاین درآمد. نکته مهم آن که در اکران آنلاین هم نه در پلنفرم‌های بزرگ‌تر مثل فیلمو، فیلم‌نت یا نماوا، بلکه در پلنفرم تماشاخونه نمایش داده شد که مدت‌هاست محصول اختصاصی به انتشار نرسانده. هزینه تولید «کارو» طبق اعلام سازمان اوج حدوداً ۵/۵ میلیارد است. این فیلم مدتی پیش روی آنتن تلویزیون هم رفت، ولی در هیچ‌یک از مراحل پخش توجهاتی را جلب نکرد.

فیلم اربعینی که کارش به تلویزیون افتاد

در میان محصولات فارابی طی سال‌های اخیر، یک فیلم بسیار کم‌برصدا هم به چشم می‌خورد که به چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر ارسال شد، ولی مورد پذیرش قرار نگرفت. «راه‌شیری» به کارگردانی علی جعفرآبادی که به موضوع پیاده‌روی اربعین می‌پردازد، در سال ۱۴۰۱ با سرمایه ۱۴ میلیارد تومانی به تولید رسیدید و البته از اعتبار ۱۵۰ میلیون تومانی هم برای نگارش فیلمنامه برخوردار بود، ولی درنهایت نه در جشنواره نمایش داده شد و نه توانست به اکران عمومی برسد یا حتی به اکران آنلاین درآید. فیلم پس از ۲/۵ سسال ماندن در صف اکران و درحالی‌که احتمالاً پخش‌کنندگان سینمایی و پلنفرم‌های وی‌اودی زیادی برای نمایش آن آماده نبودند، به تلویزیون آمد و پنجشنبه‌شب روی آنتن شبکه یک سیما رفت تا به این ترتیب، در نقش یک تله‌فیلم گران‌قیمت، تنها برای ۲ ساعت آنتن تلویزیون را پر کند.

نام فیلم	سال تولید	ارگان سرمایه‌گذار	هزینه تولید	سال نمایش	تعداد تماشاگر در سینما	سرنوشت
دست ناپیدا	۱۴۰۲	بنیاد شهید و بنیاد فارابی	حدود ۳۶ میلیارد تومان	۱۴۰۴	۷۴ نفر (تاکتون)	برای اکران محدود، به گروه هنر و تجربه رفت
شور عاشقی	۱۴۰۲	بنیاد شهید و بنیاد فارابی	حدود ۳۲ میلیارد تومان	۱۴۰۳	۶۳ هزار نفر	به جای نمایش آنلاین، مستقیماً به تلویزیون رفت
میرو	۱۴۰۲	بنیاد شهید و بنیاد فارابی	حدود ۱۵ میلیارد تومان	۱۴۰۴	۱۰۸ نفر	برای اکران محدود، به گروه هنر و تجربه رفت
کارو	۱۳۹۹	سازمان اوج	حدود ۵/۵ میلیارد تومان	۱۴۰۳	-	مستقیماً اکران آنلاین شد
راه شیری	۱۴۰۱	بنیاد فارابی	بیش از ۱۴ میلیارد تومان	۱۴۰۳	-	مستقیماً در تلویزیون پخش شد

اثری بی‌ربط به گروه هنر و تجربه

در میان همه آثار بی‌مشتی ارگانی طی سال‌های اخیر، «دست ناپیدا» وضعیت